

گفت و گو با دکتر اسحاقی معاون فرهنگی دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

۳ چالش جمعیتی کشور

سال ۸۶ وقتی زنگ خطر برای کاهش نرخ باروری، رشد جمعیت و در نتیجه آن احتمال بروز پدیده سالمندی در کشور به صدا درآمد شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شورای مسئولیت از مسئولان و نخبگان جامعه دست به کار شد تا ضمن آسیب شناسی سیاست های جمعیتی گذشته، به فکر آینده جمعیتی کشور بیفتد که نتیجه آن بر جسته سازی بحث جمعیت در نقشه مهندسی فرهنگی در سال ۹۰ بود. در طول این سال ها اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و اعضای دبیر خانه این شورا از پژوهش در این باره دست نکشیدند و دستاورد هایشان در قالب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور بازنگری در سیاست های جمعیتی و در نظر گرفتن مشوق ها نمایان شد. حال طرح جمعیت و تعالی خانواده مجلس بر گرفته شده از مصوبات این شورا مراحل پایانی تصویب خود را در مجلس طی می کند تا با تصویب و اجرای آن تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در مقوله افزایش جمعیت دیده شود. قانونی که شاید اجرای آن بتواند کشور را در مسیر بهبود وضعیت نرخ رشد جمعیت قرار دهد. با دکتر محمد اسحاقی معاون فرهنگی دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و دبیر شورای مهندسی فرهنگی به عنوان یکی از پیشگامان این عرصه به گفت و گو نشستیم تا هم از واقعیت های موجود آگاه شویم و هم از برنامه های آینده کشور برای مقابله با این خطر بزرگ.

علیرضا کافی



به جای چند فرزند می برگزینند. شهرنشینی و مدرنیته که توسعه و رفاه را برای مردم به همراه داشته یکی از این عوامل است. اشتغال و صرف زمان طولانی در خارج از محیط خانه و تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ باعث شده تا محدودیت های ایجاد شده برای افراد آنها را از داشتن خانواده های پر جمعیت منصرف کند. حقیقت هم همین است. چگونه یک خانواده با سه فرزند می تواند در یک آپارتمان کوچک ۴۰ متری زندگی کند.

*** بسیار خوب: برای پاسخ به پرسش ها و مشکلات اقتصادی مردم درباره فرزندآوری چه حرفی دارید؟ مردم در شرایط اقتصادی فعلی و زندگی در آپارتمان های کوچکی که به آن اشاره کردید چگونه می توانند برای داشتن یک خانواده پر جمعیت با هزینه های بسیار اقدام کنند؟**

بخشی از عوامل بازدارنده عوامل فرهنگی اجتماعی است و بخشی هم اقتصادی. تنه راه خروج از این بحران هم ایجاد یک تحول فرهنگی در کنار رفع موانع اقتصادی است. به زندگی در آپارتمان های کوچک اشاره کردید در این باره باید بگویم، شاخص های تراکم زیستی ما در مقایسه با دیگر کشور ها از وضعیت مطلوب تری برخوردار است. در هر کیلومتر مربع از خاک ایران حدود ۴۵ نفر زندگی می کنند در حالی که در هر کیلومتر مربع از خاک از این بیش از ۴۰۰ نفر در قالب سازه های بلند و آپارتمان های کوچک زندگی می کنند. با این حال از آنجا که ژاپن کشور پیری است و از لحاظ شاخص های جمعیتی در آینده به وضعیتی بحرانی دچار خواهد شد، دولتمردان ژاپنی سال ها است به فکر در نظر گرفتن مشوق های افزایش جمعیت در کشورشان افتاده اند. پس کشور ما ظرفیت داشتن جمعیت بیشتر را دارد، البته به شرط تمرکززدایی از شهرهای بزرگ.

از بعد اقتصادی هم رابطه مستقیمی بین جمعیت و اقتصاد وجود دارد. جمعیت زیاد عامل رشد اقتصادی است. در جامعه ای که جمعیت زیادی دارد میانگین نرخ مصرف کالا ها هم بالا می رود و همین موضوع باعث بالا رفتن میزان تولید در آن جامعه می شود.

*** به گفته بسیاری از کارشناسان مادر در حال حاضر در شرایط خوب جمعیتی قرار داریم و بخش عمده ای از جمعیت مادر سن کار و تولید قرار دارند. پس چرانتوانسته ایم از این فرصت استثنایی در راستای رشد اقتصادمان استفاده کنیم؟**

درست است، مادر حال حاضر در بهترین شرایط جمعیتی قرار داریم. بخش عمده ای از جمعیت ما جوان و آماده برای کار کردن است. در صورتی که اکنون کشور های اروپایی که طی سال های گذشته سیاست های کاهش جمعیت را اجرا کردند تغییر رویه داده اند و به فکر افزایش جمعیت و حتی جذب مهاجر افتاده اند. مشکل ما افزایش جمعیت نیست. مشکل ما فقدان توسعه در

جامعه و به سالمندی می رود و جامعه سالمند با مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه می شود. اگر از بعد اقتصادی به این موضوع نگاه شود جامعه دچار بحران های اقتصادی ناشی از کاهش نیروی کار و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی و در عین حال کشور دچار مشکلات سیاسی و امنیتی می شود.

*** تمایل انسان ها به ادامه نسل امری بدیهی است، اما چه چیزی باعث شده است در دنیای امروز خانواده ها از بعد فردی تمایل چندانی به فرزندآوری و پر جمعیت بودن نداشته باشند؟** نباید فراموش کرد که مباحث جمعیتی به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم می شود. در بعد فردی هر شخصی بر اساس نیاز فطری و طبیعی خود که خداوند در نهاد او قرار داده است تمایل به فرزندآوری دارد. علت آن هم تمایل انسان به بقاست. انسان تا جایی که برایش امکان دارد تمایل به ادامه بقاست و پس از آن دوست دارد که فرزندانش ادامه دهنده نسل او باشند.

افراد در گام اول به شرایط خودشان نگاه می کنند و در گام بعدی است که مسائل اجتماعی را برای فرزندآوری لحاظ می کنند. لذا برای متقاعد کردن مردم برای فرزندآوری باید ابتدا آحاد مردم به فرزندآوری متقاعد شوند، آن هم به نحوی که به این باور برسند که داشتن یک خانواده سالم نیاز آنهاست و نبود این خانواده در آینده می تواند از بعد اجتماعی و فردی آنها را دچار مشکل کند. جوانی که به تازگی از دواج کرده است باید به این باور برسد که اگر در زمان مناسب اقدام به فرزندآوری نکند و به این نیاز ذاتی و فطری خود پاسخ ندهد در آینده دچار مشکل می شود و تبعات فردی این امر دامن گیر او می شود.

*** به ابعاد فردی موضوع اشاره کردید، خانواده های کم فرزند با مشکلاتی از لحاظ ارتباطات فردی مواجه خواهند بود؟**

در شرایط فعلی، کشور با ۳ چالش در زمینه جمعیت مواجه است. چالش اول تاخیر در ازدواج، دوم تاخیر در فرزندآوری و سوم تقلیل در فرزندآوری و بسنده کردن زوجین به یک یا دو فرزند است. اگر نگاه فردی به این موضوع داشته باشیم در خانواده های کم فرزند، پدر، مادر و فرزند آینده پر مشکلی را پیش رو خواهند داشت. یکی از این مشکلات کم شدن تعداد عمو، دایی، خاله و عمه و در نتیجه آن کم شدن بستگان است که در نهایت باعث کم شدن ارتباطات صمیمانه خانوادگی می شود. از همین منظر بسیاری از روانشناسان معتقدند که تک فرزندی و کم فرزندی عوارض بسیاری برای خانواده ها به خصوص فرزندان این خانواده ها به همراه دارد.

*** چه عواملی سبب شده است تا خانواده ها تک فرزندی یا در نهایت دو فرزند را برگزینند؟**

مجموعه ای از عوامل باعث شده است تا خانواده ها کم فرزندی را

*** همواره از سوی مسئولان در باره کاهش نرخ**

باروری و در نتیجه آن بروز پدیده سالمندی در

کشور شنیده ایم. چه چیز تا این حد باعث بروز

نگرانی در کشور شده است و پیر شدن جمعیت یک کشور چه

مشکلاتی می تواند برای آن جامعه به همراه داشته باشد؟

جمعیت عامل تشکیل دهنده یک کشور است و در تمامی دوره ها بحث جمعیت یکی از مهم ترین مباحث مطرح بین ملت ها بوده است. در طول تاریخ، ملت ها، اقوام و گروه های سیاسی با بودن نشان نقش آفرینی کرده اند و همین جمعیت باعث پیشرفت ملل و ماندگاری شان شده است. اگر انسان ها و ملت ها روی اصل و ریشه خود حساسیت نداشته باشند این امکان وجود دارد که به مرور زمان و با توجه به تغییراتی که ممکن است در یک گروه جمعیتی رخ دهد آن گروه به کلی حذف شود. درست مانند اقوام و تمدن هایی که در طول تاریخ از بین رفتند و حال جز آثاری از آنها چیزی باقی نمانده است. لذا انسان ها بر اساس فطرت خود روی زایش و تزايد نسل حساب می کنند و در این مورد نگاه به حال برایشان بی معناست. مشکلات اجتماعی بسیاری نیز یک جامعه سالمند را در گیر خود می کند. وقتی در یک جامعه سرمایه های اجتماعی کاهش یابد از میزان هم افزایی بین مردم کاسته می شود. در تشریح این موضوع بهتر است این گونه آغاز کنیم که در یک جامعه سالمند در خانواده هایی که فرزند کمتری دارند وظیفه نگهداری از پدر و مادر به دلیل کم بودن فرزندان و اجتماع کوچک خانوادگی به نهاد های اجتماعی مانند بهزیستی و سرای سالمندان محول می شود یعنی همان مسیری که غرب سال ها قبل طی کرد و البته از آن ضربه نیز خورد، نهادهای اجتماعی جایگزین کار کردهای خانوادگی شدند. به جای اینکه خانواده ها و اقوام به یکدیگر کمک کنند نهادهای اجتماعی به کمک مردم آمدند.

متأسفانه بسیاری از خانواده های ما از واقعیت های موجود اطلاع ندارند. بسیاری از افراد حتی نخبگان و مسئولان ما متوجه خطر کاهش نرخ باروری به کمتر از نرخ جایگزینی نیستند. این افراد اگر بدانند نرخ باروری ما در حال حاضر ۱/۷ است در صورتی که نرخ جایگزینی ۲/۱ تعریف شده است بی شک در مقابل موضوع فرزندآوری مقاومت نمی کنند. این یک حقیقت است که وقتی نرخ باروری یک جامعه به کمتر از نرخ جایگزینی برسد به مرور از میزان جمعیت آن کشور کاسته می شود و در دراز مدت بقای آن ملت به خطر می افتد. اگر مردم، مسئولان و نخبگان به خوبی از این خطر مطلع شوند اجازه نخواهند داد که نرخ باروری از حد جایگزینی پایین تر بیاید. علت آن هم این است که همین کاهش تدریجی جمعیت و نرخ رشد جمعیت باعث بروز بحران های جمعیتی در یک کشور می شود و کار به جایی می رسد که نرخ رشد منفی می شود و پس از آن است که

گونه برآورد کرده اند؛ بر اساس این مطالعات و در بهترین حالت ممکن برای باروری، جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به ۱۱۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت و پس از آن رشد جمعیت منفی خواهد شد. بدین معنا که از سال ۱۴۸۰ به بعد تعداد فوتی ها در ایران از تعداد مولدپیشی می گیرد. در این حالت هرم جمعیتی کشور به تدریج به شکل استوانه درمی آید و پس از چند سال هرم جمعیتی موجود به یک هرم معکوس تبدیل می شود. هر می که قاعده آن جمعیت سالمند است و راس آن به سمت جمعیت جوان است.

*** در سیاست های جمعیتی گذشته قرار بود در سال ۹۰ نرخ باروری به ۴ برسد اما اجرای بی ضابطه سیاست های کاهش جمعیت باعث کاهش سریع نرخ باروری شد و امروز کشور را دچار مشکل کرده است. حال برای اجرای صحیح ویی اشکال سیاست ها چه فکری کرده اید و آیا نظارتی بر نحوه اجرای سیاست ها خواهید داشت؟**

اینکه ما ۲۰ سال در کاهش جمعیت کشور جلو افتادیم به علت نبود مرکز صد کننده در این حوزه بود. مرکز ی که باید بار صد به موقع شرایط، سیاست ها و راهبردها را اصلاح می کرد. در این دودهنه به هر دلیلی این مرکز صد فعال نبود و شورای عالی انقلاب فرهنگی وقتی وارد این قضیه شد که باید آسیب شناسی گذشته و دیدن آینده را با هم انجام می داد. به هر شکل در سال ۹۰ ایجاد این مرکز صد کننده به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید تا بر اساس مصوبه شورای انهداد تخصصی مدیریت جامع جمعیت به ریاست رئیس جمهور و عضویت تمامی دستگاه های مسئول تشکیل شود. بخشی از فعالیت های این مرکز مطالعات ر صدی، آینده نگری و بررسی این موضوع است که آیا کشور در حال نزدیک شدن به شاخص های مورد نظر جمعیتی هست یا خیر. این مرکز باید بر این موضوع که چه سیاست هایی و در کجا باید اعمال شود نظارت داشته باشد و اینکه کدام سیاست به تغییر وی یا بازی نیاز دارد و آیا وضعیت متناسب با رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جلورفته است یا خیر.

در قانون برنامه اول توسعه قانون گذار این گونه تبیین کرده بود که در سال ۹۰ نرخ باروری از ۶/۴ به ۴ برسد و رشد جمعیت نیز از ۳/۲ به ۲/۳ تقلیل یابد. اما متأسفانه در اثر بی برنامه گی و در سایه نبود نهاد نظارت کننده بر نحوه اجرای سیاست های جمعیتی بیست سال زودتر از موعد مقرر به اهداف تعیین شده برای سال ۹۰ رسیدیم. یعنی نرخ باروری در سال ۷۰ به ۴ رسید و پس از آن به سرعت شاهد کاهش نرخ باروری بودیم. به شکلی که نرخ باروری در سال ۸۵ به ۱/۸ و در سال ۹۰ به ۱/۷ رسید. از نگاه متخصصان جمعیت شناسی رسیدن به زیر نرخ جایگزینی یعنی ادامه یافتن روند کاهش حتی در صورت شروع اقدامات بازدارنده برای کاهش نرخ جمعیت چرا که حتی در صورت اصلاح سیاست های جمعیتی به دلیل اینکه روند قبلی تاثیرات خود را گذاشته است روند کاهش همچنان ادامه پیدامی کند.

ما امروز می دانیم که در سال ۱۴۰۴ چه تعداد سالمند خواهیم داشت و از امروز باید برای جمعیت سالمندان برنامه ریزی کنیم. باید امکانات دوران سالمندی مهیا شود تا در آینده خانواده ها بتوانند از سالمندان در محیط خانواده نگهداری کنند.

*** آیا اصلاح سیاست ها به سرعت به افزایش نرخ جمعیت می انجامد؟**

پس از اصلاح سیاست های جمعیتی دوافاق ممکن است رخ دهد. اول اینکه با اعمال این سیاست ها روند رشد جمعیت ارتقا یابد و نرخ باروری به نرخ جایگزینی و حتی بالاتر از آن برسد که در این شرایط حتی نزدیک شدن به نرخ جایگزینی هم امیدوار کننده است. اما احتمال قوی تر این است که نرخ باروری همچنان کاهش یابد. این کاهش می تواند تا جایی پیش برود که دیگر ظرفیتی برای کاهش نرخ باروری وجود نداشته باشد.

برای درک وضعیت کشور ما بر اساس این دو فرضیه، باید گفت اگر نرخ باروری کل کشور به نرخ جایگزینی نزدیک شود و حتی به ۱/۹ برسد، جمعیت کشور در افاق ۱۴۸۰ به ۶۰ میلیون نفر خواهد رسید. اما اگر نرخ باروری روند کاهش خود را طی کند و به ۱/۴ برسد جمعیت ایران در افاق ۱۴۸۰ به ۳۰ میلیون نفر تقلیل خواهد یافت. در جمعیتی ۳۰ میلیون نفری که ۵۰ درصد آن را سالمندان تشکیل می دهند و با احتساب اینکه ۲۵ درصد

برای این زنان قائل است. حتی یکی از وعده های انتخاباتی پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه افزایش ۵۰ میلیونی جمعیت بود. اگر به وضعیت جمعیتی امریکا توجه کنید هیچ گاه جمعیت این کشور کم نمی شود و حتی برای دراز مدت برنامه افزایش دوبرابری جمعیت را دارند. یعنی می خواهند تا سال ۱۴۸۰ جمعیت خود را از ۳۰۰ میلیون نفر کنونی به ۷۰۰ میلیون نفر برسانند. آلمان و ژاپن هم کشور های پیری هستند. این کشور ها با استفاده از مشوق های مادی، اداری، بهداشتی و رفاهی افراد را ترغیب به فرزندآوری می کنند؛ به عنوان مثال اگر فرد کارمند باشد مرخصی های طولانی مدت به او تعلق می گیرد. حتی در کشور ی مانند استرالیا اگر زنی در دویا سه سال متوالی دو فرزند به دنیا بیاورد می تواند از ۴ سال مرخصی همراه با تمامی حقوق و مزایا استفاده کند.

*** یاد ر نظر گرفتن چنین مشوق هایی برای دولت ها مقرون به صرفه است؟**

در پاسخ به سوالتان باید بگویم بله چنین اقداماتی در دراز مدت برای کشور ها مقرون به صرفه است. در این کشور ها به زوج های جوان توصیه می شود در سال های اول از دواج با فاصله کم اقدام به بچه دار شدن کنند چرا که بچه ها با هم بزرگ می شوند و هزینه هایشان بین دویا سه بچه سرشکن می شود. البته این کشور ها اقدامات حمایتی خوبی هم در این زمینه انجام داده اند و تسهیلات مختلفی برای تشویق مردم کشور شان در نظر گرفته اند. مرخصی های طولانی مدت به مادران، اعطای هدیه تولد، پوشش کامل بیمه اجتماعی و درمانی مادر و کودک، در نظر گرفتن بسته های بهداشتی، تغذیه ای و تقویتی و حتی تامین مسکن و در نظر گرفتن سفرهای تفریحی.

*** کمی به عقب برگریم، تصمیم سازان به ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اصلاح سیاست ها چه کرده اند؟**

مطالعات جمعیتی از سال ۱۳۸۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی آغاز شد و در نهایت در سال ۹۰ این بحث در نقشه مهندسی فرهنگی برجسته شد. در این مطالعات مشخص شد برنامهریزی های دهه ۶۰ نگاه به آینده وجود نداشته است و از آنجا که برنامه ریزان آن زمان فکری به حال اشتغال مسکن و دیگر نیاز های متولدان این دهه نکرده اند امروز با مشکلات فراوان برای این نسل مواجه هستیم. این مشکلات در حالی رخ داده است که ما از نظر تراکم زیستی مشکلی در کشور نداریم اما در اثر اجرای سیاست های معیوب در کشور، بخش عمده ای از جمعیت کشور در شهر های بزرگ متمرکز شده است که زندگی در آپارتمان های کوچک، آلودگی هوا و ترافیک و دیگر معضلات اجتماعی پیامدهای آن است. برنامه ریزان دهه ۶۰ نرخ باروری را برای سال ۹۰ پیش بینی کرده بودند و باید بر اساس جمعیتی که از نرخ باروری ۴ ایجاد می شد زیر ساخت آماده می کردند. اما با وجود اینکه امروز نرخ باروری به ۱/۷ رسیده است باز هم برای تامین نیاز ها مشکل داریم که این خود نشان از بی برنامه گی دارد.

*** چه پیش بینی از آینده جمعیتی کشور دارید؟**

پیش بینی هایی که سازمان های بین المللی برای وضعیت جمعیتی کشور ما دارند با کشور هایی نظیر امریکا متفاوت است. سازمان های بین المللی بادر نظر گرفتن سناریوی رشد باروری بالا، متوسط و پایین، افق جمعیتی کشور ما را تا سال ۱۴۸۰ این

بخش های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی است. مشکل از اینجا نشات می گیرد که در ۴ برنامه توسعه قبلی توجه مناسب و ویژه ای به توسعه فرهنگی اجتماعی و اقتصادی نشده است. در ظرفیت سازی ها همواره از رشد جمعیت عقب بوده ایم؛ به عنوان مثال ظرفیت در آموزش عالی دیر به وجود آمد. در حالی که متولدان دهه ۶۰ با مشکل صندلی های محدود در دانشگاه ها مواجه بودند، حال بعد از گذشت سال ها به تعداد صندلی های دانشگاهی ما اضافه شده است، صندلی هایی که خالی اند و کسی تمایل به نشستن و تحصیل در آن دانشگاه را ندارد. باز هم می گویم مشکل ما جمعیت زیاد نیست، مشکلات ما ساختاری است.

*** با خانواده ها که صحبت می کنیم معتقدند هزینه پرورش کودک بسیار بالاست. آموزش و پرورش کارایی چندانی ندارد و برای تربیت بهتر کودک باید هزینه های سنگینی کرد. برای این ابهامات باید پاسخی داشته باشیم. پاسخ شما به مشکلاتی که مردم بان درگیرند چیست؟**

برخی خانواده ها معتقدند هزینه پرورش و بزرگ کردن کودک در کشور ما بالاست و به دلیل مشکلات اقتصادی اقدام به فرزندآوری نمی کنند. در پاسخ این افراد باید بگویم کودکی که به تنهایی بزرگ می شود دچار اختلالات بسیاری می شود. در حقیقت در نگاهی وسیع تر به موضوع به این نتیجه می رسیم که هزینه تک فرزندی بسیار بالاتر از چند فرزندی است. در گام اول ممکن است خانواده ها این گونه تصور کنند که هزینه فرزندآوری زیاد است و نمی توانند از پس هزینه های مدرسه غیر انتفاعی، لباس، خوراک و بهداشت و در مان یک کودک جدید ب آیند. اما اگر هزینه ها و فایده های فرزند زیاد را در کنار هم قرار دهیم به این نتیجه می رسیم که در نگاهی کلی تر هزینه یک خانواده پر فرزند چندان تفاوتی با خانواده های تک فرزند ندارد. چرا که در خانواده های پر جمعیت تر به جای اینکه هزینه زیادی برای پر کردن اوقات فراغت کودک شود فرزندان خودشان در تعاملی که با هم دارند اوقات فراغت خود را پر می کنند. در گذشته هزینه های فرزندآوری به اندازه امروز نبود. فرزندان خیلی زود به سن کار می رسیدند و در شغل پدر به او کمک می کردند. اما در شرایط فعلی فرزند به باری برای یک خانواده بدل شده است و یک نفر در یک خانواده باید بار تمامی افراد را به دوش بکشد.

از نگاه اقتصادی هم نمی توان چشم ها را روی واقعیت بست اما بد نیست بدانید بسیاری از خانواده های متمدن از داشتن فرزند بیشتر خودداری می کنند. نکته مهم و اساسی این است که هر کس بسته به شرایطی که دارد خانواده خود را تنظیم می کند و اگر دولت مداخله منفی نکند هیچ گاه کار به تک فرزندی نمی رسد.

*** مشکلی که ما بان دست به گر بیابیم نتیجه سی سال اعمال سیاست های کاهش جمعیت و نهادینه شدن آن در بین مردم است. برای اصلاح این سیاست ها چه باید کرد؟**

بخشی از این مشکلات در فرهنگ یک اجتماع نهفته است و تردیدی نیست که برای اصلاح امور باید به اصلاح فرهنگ عمومی جامعه روی آورد. حتی کشور های غربی هم گام های بلندی در فرهنگ سازی برای ترغیب خانواده ها به فرزندآوری برداشته اند؛ به عنوان مثال در کشور روسیه به زنانی که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند عنوان قهرمان ملی اعطا می شود و جامعه ارزش خاصی





استانداردهای جهانی است در حالی که سزارین باید تنها در موارد ضروری انجام شود. واز کتومی سه برابر استانداردهای جهانی و توبکتومی نیز ۴ برابر استانداردهای بین المللی است. در این شرایط توبکتومی ۴ برابر واز کتومی است که خود زنگ هشدار برای سلامت زنان به شمار می رود. تمام این شاخص ها در شرایطی وضعیت بحرانی را نشان می دهند که ما تنها یک درصد جمعیت جهان را داریم. ما البته مشکلات دیگری هم در کشور داریم. برخی کارشناسان معتقدند ما منابع کافی برای جمعیت مان نداریم در حالی که مصرف آب ما ۵ برابر استانداردهای جهانی است و در مصرف سوخت هم پیشتانز هستیم. در این شرایط فقط می خواهیم صورت مسئله را که همان فرزندآوری است پاک کنیم. وقتی نگاه به آینده نباشد چنین مشکلاتی پدید می آید. ما امروز با مشکلات اقتصادی، بیکاری و مشکلات اجتماعی درگیر هستیم و اگر این مشکلات رفع نشود و بیش از گذشته بر کم فرزند تاکید شود در آینده ای نه چندان دور یک مشکل دیگر به مشکلات جامعه اضافه می شود. مشکلی به نام پیری جمعیت که هزینه های بسیاری ایجاد می کند. در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است که از امروز باید به فکر تهیه زیرساخت های لازم برای نگهداری و خدمات دهی به سالمندان باشیم. باید سیاست ها اصلاح شود تا فرزند بتواند در کنار اشتغال به پدر و مادر خود هم رسیدگی کند. از سویی در حال حاضر ۲۰ درصد از زوج های **مایارورند** باید بیمه ها در **مایاروری** را تحت پوشش قرار دهند، همانگونه که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است.

*** برای فرهنگ سازی در قشر نخبه جامعه به عنوان افرادی تاثیر گذار روی عموم مردم چه برنامه هایی دارید؟**

یکی از گروه های مهمی که شورادرصد آگاه سازی آنها برآمد نمایندگان مجلس بودند بسیاری از نمایندگان در گام های اول با افزایش جمعیت مخالف بودند ولی زمانی که با واقعیت ها مواجه شدند پذیرفتند که کشور در حوزه جمعیت در وضعیت بحرانی قرار دارد و باید فکری برای افزایش نرخ جمعیت کرد. یک بند مهم از سیاست های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اقناع مسئولان و نخبگان جامعه است. حداقل کاری که باید انجام دهیم این است که واقعیت های جامعه و اعداد و ارقام مربوط به نرخ باروری و رشد جمعیت را به اطلاع نخبگان و مسئولان جامعه برسانیم. در حال حاضر بخش عمده ای از کسانی که کم فرزند هستند مشکل اقتصادی خاصی ندارند امکان اداره خانواده های پر جمعیت را دارند. ایجاد هیاهو و جلوگیری از اصلاح سیاست ها کار صحیحی نیست و بسیاری از این هیاهو ها و مخالفت ها از خارج از کشور نشات می گیرد.

*** یعنی شمارخی اظهار نظرهارا مبنی بر اینکه دیگر کشورها برای کاهش جمعیت کشور ما برنامه دارند تا تایید می کنید؟**

کشور های خارجی و سازمان های بین المللی وضعیت جمعیتی ما را رصد می کنند و حتی برای ما برنامه دارند. در رصدهایی که انجام دادیم مشخص شد دیگر کشور ها سازمان های بین المللی به صورت دائم در حال رصد وضعیت ما هستند. در مطالعات جمعیتی جهان که توسط سازمان ملل انجام گرفته است خود آنها نیز هشدار داده اند که کشورهایی چون ایران مشکل پیری جمعیت را پیش رو دارند. ما با سیاست های دو گانه این کشور ها در برخورد با مقوله جمعیت مواجهیم. آنها برای افزایش جمعیت خود از هر ترفندی استفاده می کنند ولی کشورهای اسلامی را تشویق به کاهش جمعیت می کنند. این اقدامات چه معنایی دارد؟ آیا مشکلات توسعه کشورهای اسلامی ارتباطی به دخالت های کشورهای قدرتمند غربی ندارد؟

*** واما نکته آخر؟**

نکته آخر اینکه کسی را نمی توان مجبور به فرزندآوری کرد. مردم باید عقلانی و با بررسی کامل شرایط اقتصادی و اجتماعی تصمیم بگیرند. یعنی مشکلات پیش رو را ببینند و صرفه خود را بسنجند. اما باید بدانند این انسان ها نیستند که روزی می دهند و باید به این باور برسند که خداوند معیشت انسان ها را تضمین می کند.

ها و تسهیل زندگی مادران و خانواده ها به منظور فرزندآوری نه تنها هزینه بر نیست بلکه نوعی سرمایه گذاری سودآور است. زوج جوانی که مطمئن است فرزندش مشکلی برای اشتغال و آینده او ایجاد نمی کند و دولت نیز او را در تربیت و نگهداری فرزندش کمک می کند بی تردید اقدام به فرزندآوری می کند. این مشوق هادر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است. به موازات این مصوبه مجلس شورای اسلامی نیز در طرحی ۵۰ ماده ای که تا پایان سال در صحن علنی مجلس مطرح می شود تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی دفاعی موضوع را مد نظر قرار داده است. این طرح بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شده است.

*** یکی دیگر از مشکلات تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ، پرتراфик و درآپارتمان های کوچک است؟ چگونه می توان این جمعیت متمرکز را به سمت شهرهای کوچک تر سوق داد؟**

در خصوص باز توزیع جمعیت کشور باید بگویم که این مهم یکی از سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی است. ما برای توزیع جمعیت و مهاجرت ها به قانون نیاز داریم. سیاست های باز توزیع جمعیت و مهاجرت چه از داخل به خارج و چه از خارج به داخل باید با برنامه ریزی صحیح تدوین شود. ما در حال حاضر بیش از دو میلیون فرصت شغلی در کشور داریم که از سوی نیروی کار ایرانی تقاضایی برای آن وجود ندارد. تعداد این مشاغل در آینده افزایش خواهد یافت و خواه ناخواه ما در آینده مانند کشورهای اروپایی به کشوری مهاجر پذیر بدل خواهیم شد. چرا که با بالا رفتن سطح علمی نیروهای کار، این افراد حاضر به انجام هر کاری آن هم از نوع پیدی نیستند. ما امروز در دوره گذار دوم جمعیتی قرار داریم. دوره اول دوره مرگ و میر و تولد های طبیعی بود، در دوره دوم گذار دولت در تحولات جمعیتی دخالت کرد و همین دخالت باعث کاهش نرخ باروری و تولد در کشور شد. در این دوره امید به زندگی در افراد افزایش یافت و تعداد سالمندان نیز زیاد شد. در گذار سوم تعداد سالمندان به مراتب افزایش می یابد و رشد جمعیت کاهش می یابد و اگر این روند ادامه یابد در دوره گذار چهارم، رشد جمعیت منفی خواهد شد. اگر بتوانیم تا سال ۱۴۰۴ به نرخ جایگزینی و حداکثر به نرخ باروری ۲/۵ برسیم می توان وضعیت بسیار مطلوبی را متصور بود و کشور را نجات یافته از بحران پیری تلقی کرد.

*** بر اساس مطالعاتی که انجام داده اید، کشور ما گنجایش چه تعداد جمعیت را دارد؟**

بر اساس محاسباتی که انجام گرفته است ظرفیت کشور بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر بر اساس تراکم زیستی کشور برآورد می شود. با داشتن این وضعیت نباید به شیوه های مختلف عقیمی روی افراد روی آورد، اعمال این شیوه ها یا توصیه های پزشکی در کنار ترویج سبک زندگی غربی سبب بروز بحران جمعیتی در کشور شده است. مادر بسیاری از شاخص ها وضعیت بسیار نامناسبی داریم که باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. به عنوان مثال سزارین در کشور ما سه برابر

از جمعیت نیز زیر سن فعالیت های اجتماعی قرار دارند تنها ۲۵ درصد از جامعه در سن فعالیت هستند و می توانند به عنوان نیروی مولد فعالیت کنند.

*** چه مواردی برای افزایش جمعیت در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دیده شده است؟**

سیاست هایی که در سال ۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است یک مجموعه کامل از سیاست های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی در مانی و حتی امنیتی دفاعی است. در این مجموعه سیاست ها بحث آمایش سرزمین و باز تولید جمعیت مورد توجه قرار گرفته است. توزیع مناسب امکانات، متناسب سازی نظام اشتغال برای زنان به نحوی که فرزندآوری با اشتغال زن مغایرت نداشته باشد. حتی بازنگری در سیاست های نظام دانشگاهی و علمی کشور نیز در دستور کار قرار گرفته است به نحوی که دختران، زنان و مادران دانشجو متناسب با وضعیت خود بتوانند در دانشگاه تحصیل کنند و تا حد امکان سقف انتخاب واحد و محدودیت تعداد ترم های تحصیل برایشان برداشته شود. باید ببینیم چه عواملی باعث بالا رفتن سن ازدواج در دختران شده است. یکی از این عوامل افزایش تقاضا برای تحصیل است. اما تحصیل چگونه می تواند مانع از ازدواج و فرزندآوری یک زن شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت که فرصت ازدواج تا طلی شدن مراحل عالیه تحصیل از بین می رود و از آن سو چون فرصت تحصیل برای پسران به دلیل رفتن به سربازی و یافتن شغل مناسب در بازار کار کمتر از دختران است فرصت ازدواج برای دختران پایین می آید. در این شرایط با بالا رفتن سن ازدواج در نهایت تجرد قطعی در دختران افزایش می یابد که بخشی از آن به دلیل هم کفو نبودن دختر و پسر است. این پدیده آسیب های اجتماعی مختلفی را با خود به همراه دارد آسیب هایی مانند ازدواج دختران با مردانی به مراتب کم سن و سال تر از خودشان.

*** آیا اشتغال مادر مانعی برای فرزندآوری است؟ با توجه به اینکه گروهی از زنان به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به کار کردن هستند برای رفع این مشکل چه برنامه ای دارید؟**

شورای عالی انقلاب فرهنگی مطالعه ای روی وضعیت مادران شاغل انجام داد و در آن مطالعه از مادران شاغل درباره شرایط فرزند پروری حین اشتغال سوال شد. مادران در این مطالعه می گفتند اشتغال در خارج از منزل، فرزند پروری و رسیدگی به امور خانه مشکلات فراوانی برایشان پدید آورده است و به همین دلیل حاضر به افزایش تعداد فرزندانشان نیستند. لذا باید اشتغال زنان بانقش مادری و همسری شان متناسب سازی شود. در کشوری مانند ایران باید ارزش مادری و فرزندآوری را زنده نگاه داریم. برای توسعه نقش مادری و همسری، باید مدل هایی از اشتغال و مشارکت زنان به صورت های مختلف ایجاد شود. حتی در سیاست های شورای عالی انقلاب فرهنگی متناسب سازی نظام اشتغال برای زنان به نحوی که مانع فرزندآوری آنان نشود آمده است. ما باید مسئولان کشور را متقاعد کنیم که دادن مشوق